Archive of SID

تبیین مولفه های بصری مبتنی بر اصول زیبایی شناسی در طراحی شهری

مریم قربانی، سید امین سیدین

کارشناس ارشد معماری دانشگاه گیلان، مدرس دانشگاه پیام نور رشت

کارشناس ارشد معماری دانشگاه گیلان، مدرس دانشگاه پیام نور رشت

Maryam.ghorbanii@gmail.com

Ameen.seyyedein@gmail.com

چکیده :

زیبایی به شکل پدیده ای بصری، یکی از عواملی است که به شهر، کیفیتی تجربی می بخشد. مولفه های بصری، بخشی از عواملی هستند که در تجربه ی شهر موثر بوده و تداعی شخص از محیط، نحوه ی استفاده و کاربری می تواند کیفیت یک تجربه ی بصری صرف از محیط را، تنزل بخشیده یا تقویت کند. در طراحی شهری، شناخت فرم ها و عملکردهای شهری، بسیار پر اهمیت می باشد. بر اساس مبانی زیبایی شناسی، در طراحی شهری، سطوح مختلف ساختاری وجود داردکه دامنه ی آن، وسعت منظر شهری تا مبلمان شهری را شامل می شود. توجه به ویژگی ها و الزامات هر یک از این سطوح –از دیدگاه قوانین بصری- برای شناسایی شخصیت شهر، ضروری می باشند. این نوشتار، به تبیین ویژگی های سطوح ساختاری در طراحی شهری پرداخته و نیز مشخص می کند که این ویژگی ها، بر پایه ی قوانین بصری مشابهی استوار هستند. پژوهش حاضر، رویکردی تحلیلی و توصیفی است که با استفاده از بیشینه منابع موجود در مطالعات کتابخانه ای صورت گرفته است ومی کوشد تا با برشمردن پاره ای از اصول و مبانی زیبایی شناسی، به تبیین مولفه های بصری حاکم بر فرم های شهری پرداخته و نحوه ی تعامل فرم ها با یکدیگر را مورد بررسی قرار دهد.

www.SID.ir

Archive of SID

واژگان کلیدی: مبانی زیباشنایی شناسی، مولفه های بصری، قوانین بصری، فرم، طراحی شهری.

مقدمه

زیبایی به شکل یک پدیده ی بصری، یکی از عواملی است که به شهر کیفیتی تجربی می بخشد. مولفه های بصری بخشی از عواملی هستند که در تجربه ی شهر موثرند و در آن فرم ساختمان، به عملکرد موجود، شکل کالبدی و ویژگی های بصری می بخشد. کیفیات بصری در محیط باید با سایر عوامل موثر در محیط به رقابت بپردازند. تداعی شخص از محیط، تاریخ، نحوه ی استفاده و کاربری می تواند کیفیت یک تجربه ی بصری صرف از محیط را تنزل بخشیده یا تقویت کند **(تیس- اونسن،۱۳۸۷،۱۸).**

شهر مانند شبکه ای از عملکردهای مختلف است که خود مجموعه ای از فرم ها و عناصر را دارد. این عوامل به هم وابسته اند تا عملکرد ارگانیزم شهر را تضمین کنند. شهر ترکیبی از سه سطح مختلف فضایی منظر شهر، فضای ساخته شده و مبلمان می باشد(همان،۱۳۸۷،٤٥).

طراحی شهر بر اساس مبانی زیباشناختی در تمامی دنیا هنوز چه از نظر ایده ی کلی و چه از نظر روش اجرا ناشناخته است. در ایالات متحده شماری از مثال ها از دهه های ۸۰ و ۹۰ وجود دارد که در آن ها ضوابطی به منظور زیباسازی شهر ارایه شده است. به کمک این ضوابط، طراحی شهری جهت دار و جانشین شیوه ی شهرسازی خود به خودی شده است. کوین لینچ در ۱۹٦۰ پیشنهاد ((پلان های بصری)) را مطرح کرد. وی معتقد است که توصیه ها و کنترل هایی می تواند در مقیاس شهر در مورد فرم ها ی بصری و کالبدی پیشنهاد شود. فضاهای شهری، فضاهای مورد استفاده عموم اند و به همین دلیل وظیفه ی عموم در برابر زیباسازی فضاهای شهری تنها مختص به زیباسازی فضاهای باز عمومی نیست بلکه واحدهای همسایگی، خیابان ها و فضاهای بین ساختمان ها را نیز در بر می گیرد. لازمه انجام این وظیفه، ارزیابی عناصر شهری به صورت منفرد، به شکل کل واحد و بررسی رابطه بین عناصر است (همان،۱۳۸۷،۱۲).

زیبایی شناسی

لغت زیباشناختی(استتیک) در اصل یونانی و به معنی ادراک است. علم زیباشناختی به معنی وسیع کلمه به بررسی و روش های احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می پردازد. نیاز بشر به زیبایی- به عنوان جزیی از فرهنگ- امری است قطعی، زیرا که بشر از اولین روزهای خلقت همیشه سعی در زیباسازی محیطش داشته است.

از قرن هجدهم مفهوم زیبایی بیشتر جنبه ی روانشناسانه به خود گرفت. زیبایی در ارتباط با ادراک دیده شد و بیننده جزیی از این مجموعه به حساب آمد. الکساندر گوتلیب باومگارتنر از مفهوم زیباشناختی به

www.SID.ir

Archive of SID

عنوان مفهومی به موازات علم اخلاق و منطق استفاده نمود. نقشی را که عقل در علم اخلاق داشت، سلیقه در زیباشناختی به دست آورد. سلیقه، احساس و ادراک بار دیگر در علم زیباشناسی راه یافت. به این ترتیب زیباشناختی در قرن بیستم به صورت فلسفه و دانش تمامی نمودهای زیبایی شد (گروتر، ۱۳۸٦،۹٤).

احساس زیبایی و نوآوری در ارتباط با یکدیگرند و از طرف دیگر نوآوری در ارتباط مستقیم یا غیر قابل پیش بینی بودن است. نتیجه ی این ارتباط این است که بعد از اولین برداشت از یک اثر، تازگی آن کمتر می شود و در نتیجه اثر زیباشناختی نیز نقصان می یابد. از طرف دیگر یک تجربه ی تکراری همیشه می تواند وسیله ای برای آموزش باشد که این آموزش خود باعث تفاهم بیشتر و این تفاهم بیشتر وسیله ای برای درک زیباشناختی عمیق تر می شود. ارضای حس زیباشناختی – لااقل تا حدی- زمانی به دست می آید که ذهن در مجموعه ای از تحریکات ظاهرا غیر منظم و مغشوش، موفق به کشف یک نظم نسبی گردد (همان، ۱۳۸٦،۹۷).

پیتر اسمیت انواع مختلفی برای احساس زیبایی قایل است و معتقد به سه نظام زیباشناختی می باشد:

۱- نظامی بر اساس تعادل و هماهنگی. نظم، تعادل و تناسب را بیننده نیز به طور خودکار و همین طور که هست درک می کند و آن را زیبا تشخیص می دهد. این نوع پیام ها نظم یافته اند..

۲- پیام های پیچیده را نمی توان مستقیما درک کرد. در این مورد بایستی اطلاعات را کم کرد و طرح واره تشکیل می شود.

۳- بخشی از قسمت های مغز می تواند بدون مراجعه به شعور در مقابل تحریکات خارجی عکس العمل نشان می دهد. برای احساس زیبایی بایستی اجزا بسیار زیادی را در کنار هم دید که این اجزا به علت پیچیدگی آشفته ای که دارند از نظر عقلی نظام ناپذیرند. آگهی های تجاری و تنوع تزیینات در برخی از ساختمان های باروک می تواند نمونه ای از این ادراک باشند(همان، ۱۳۸٦،۱۰۷).

خصوصیات بیانگر فرم

خصوصیات بیانگر فرم در تمامی مقیاس ها در محیط وجود دارد، خواه این فرم، یک ساختمان باشد و یا یک صندلی، در تمامی این موارد می توان خصوصیات احجام، چون پر یا خالی بودن بدنه، سبک یا سنگین بودن، داشتن شکلی منظم ویا نامنظم هندسی، وجود بخشی اضافی در فرم ویا هم پوشانی اجزا را بررسی کرد.

هر فرمی چه در مقیاس کوچک و چه در مقیاس بزرگ، در اجماع سلسله مراتبی فرم ها از پیچیدگی برخوردار است. این اجماع به سه شکل می تواند صورت پذیرد:

- فرم اصلی عنصر به شکل فرمی خالص.

www.SID.ir

Archive of SID

- رابطه بین چند فرم ویا به صورت سازماندهی چند فرم براساس نظمی خاص شکل گرفته باشد. به طور مثال، یک مستطیل می تواند به شکل متقارن فرم بگیرد. رابطه ی بین مستطیل ها در چیدمان کنار یکدیگر در صورتی که هم اندازه و مرتبط با یکدیگر باشند نیز می توان بر اساس تقارن باشد. همچنین نظامی که بین چند مستطیل وجود دارد در صورتی که مستطیل ها در طول یک خط جهت گر فته باشند می تواند بر اساس تقارن تعریف شود(تیس- اونسن، ۱۳۸۷،۲٤).

نظم و قوانین بصری

اصول و مشخصات نظم بصری که باعث ایجاد تنوع بدون یکنواختی بوده و یک مشخصه و تمامیت فضایی را فراهم می آورند، هدف های ارزشمندی در طراحی فضاهای شهری هستند. این قبیل " اصول منظم " همچون خطوط محوری، متقارن، دارای سلسله مراتب، موزون/ تکرارکننده، تحول پذیر و استفاده از ابزار خطوط داده ی مفروض می توانند گواه و دلیل پنهانی از یک نظم بصری زیربنایی را ارایه نمایند. به عنوان مثال ساختار بصری کلی شهر را می توان با درختکاری های عمده در امتداد خیابان و یا فضاهای باز تقویت کرد. معابری که دارای فضای سبز هستند از نظر بصری و عملکردی فضاهای سبزوسیعی را به محلات متصل می سازند. کاشتن یک نوع درخت، با فواصل مساوی نوعی حس نظم و تداوم را که مناسب چنین خیابان هایی است به وجود می آورد. درختکاری های وسیع در امتداد خیابان های که مناطقی از شهر را تعریف می کنند، اهمیت این راه ها را هم از نظر ارتباطی و هم از نظر حریم های بصری ارتقاء می بخشد. فضای سبز در انتهای یک خیابان نقطه مکث بصری ایجاد می کند. توسعه منظم و قوی در جوار پارک ها تضاد جالبی را به وجود می آورد و خیابان همجوار را نیز دلپذیر تر می کند(بحرینی، ۱۳۸۲،۳۸۸). تکرار، استفاده از خطوط مستقیم، اختلاط عناصر همانند و استفاده از روش های اجرایی مشابه ، به ساختمان ها و شهر های ما نظم خاصی را موجب می شود (بحرینی، ۱۳۸۲،۳۵). در این خصوص چینگ معتقد است کاربرد اصول برای طراحی فضای شهری منظم می تواند به صورت زیر ترکیب بندی شود:

- **یک محور می تواند به صورت ترتیب متقارن یا نامتقارن از شکل ها و فضاه ها ایجاد شود.**
- **دو نوع تقارن وجود دارد:**

۱- تقارن دوجانبه که ترتیب و آرایش موازنه شده ی دو المان هم ارز و معادل، حول یک محور مشترک باشد

۲- تقارن شعاعی که شامل المان های معادل می ساشد که حول دو یا چند محور؛ توازن یافته اند و در نقطه ی مرکزی متقاطع هستند.

www.SID.ir

Archive of SID

- **شکل یا فضا می تواند به واسطه ی یکتایی بصری به صورت موثر و قابل توجه باشد و این مساله می تواند با بهره مند نمودن شکل از یک اندازه ی استثنایی، ترکیب یا مکان استثنایی این اصول ، تحقق یابد.**
- **ریتم، اصل اساسی و زیربنایی تکرار را به کار می گیرد و ساده ترین شکل آن، فرم خطی است. گزینه ها شامل گروه هایی از المان ها از قبیل اندازه، شکل یا جزییات هستند.**
- **تغییر شکل، به دستکاری یک الگوی معماری مناسب و نوعی، از طریق تکامل محتاطانه، اجازه ی ایجاد فرم یا شکل هندسی می دهد تا به زمینه ی ویژه ی طراحی در حال اجرا، پاسخگو باشد.**
- **یک پیش فرض"داده" وسیله ای در شکل گیری یک خط، صفحه یا حجم است که ویژگی سازماندهی یک الگوی اتفاقی از المان ها را از طریق حضور ثابت، مستمر و منظم آن ها دارد. داده به عنوان یک وسیله باید مقیاس کافی جهت اجرای کارکرد خود بطور موثر را داشته باشد.**

مفاهیم آرامش دهنده ی سایت و اصول هندسی تعریف شده توسط چینگ، بطور متقابل و انحصاری نیستند، اما تا حدودی طراح شهری را بایک سری از قراردادهای آزمون پس داده برای توسعه ی فضای شهری پر محتوا، برای معمار، مجهز می سازد.

شکل ۱: هندوستان- تاج محل

www.SID.ir

Archive of SID

آرامش و احساسی از نظم و صلح که حاصل تقارن کامل از جهت اسکلت بندی آن و المان های طراحی خود آرامگاه و سازه های جناحی و طرفین آن می باشد(توماس، ۱۳۸۹،۱۰۰).

خصوصیات فضای شهری، به طور انکار ناپذیری به مولفه های بصری به هم پیوسته ی تناسب، مقیاس، شکل، بافت و رنگ بستگی دارد. ترکیب غیر قابل تعریف عناصری که فضا را محصور می کنند تا معماری خلق شود، از طریق سبک یا زبان طراحی که در بردارنده همه ی علائم هوشمندانه و عقلانی و پاسخ های حسی هستند، تعیین می شود (همان، ۱۳۸۹،۱۳۹).

تناسب

ویترویوس می گوید: در بناکردن بایستی به استحکام، مفید بودن و ظرافت توجه داشت. زیبایی به همراه ایستایی و کارآیی یکی از سه عامل نقش دهنده ی معماری است.

زیبایی وقتی قابل حصول است که ساختمان نمایی مطبوع و خوش آیند داشته باشد و تقارن اجزا آن به درستی حساب شده باشد. منظور ویتروویوس از تقارن چیزی است که ما امروز تناسب می گوییم. یک ساختمان وقتی زیبا به حساب می آید که تناسب بین اجزا آن بر اساس قواعد مشخصی باشد. وی معتقد به شش عامل اساسی زیباشناختی در ساختمان بود:

- نسبت اندازه های اجزا ساختمان با یکدیگر و با کل ساختمان.
- ارتباط بین اجزا ساختمان و نظم آن ها در کل ساختمان.
- ظرافت ظاهری هرکدام از اجزا و کل ساختمان
- تناسب مدوله بین تک تک اجزا و کل ساختمان به طوری که بتوان کوچکترین واحد را در تمامی ساختمان همه جا دید.
- تجهیز ساختمان به ترتیبی که متناسب با نوع استفاده بنا باشد (گروتر، ۱۳۸٦،۱۰۰).

ریشه های تناسب از زمان ویتروویوس تا عصر حاضر، با توسعه مفهوم " برش طلایی" در اوایل قرن بیستم به صورت علمی تحت بررسی و مطالعه قرارگرفته است. یکپارچگی در گوناگونی های پیچیده طبیعت که نتیجه ی مشارکت در جلوه های متناسب، هماهنگ و ایده آل یکسان است، آنقدر فراوان و مکرر است که نمی توان نادیده گرفت(توماس، ۱۳۸۹،۱٤۰).

www.SID.ir

Archive of SID

ذهنیت و تفکر پیرامون آن چه تعیین کننده یک تناسب ایده آل برای یک کار به خصوص است، این موضوع را پیش می آورد که چگونه می توان قوانین را وضع و یا واکنش های بصری را پیش بینی کرد. تناسب در زیبایی شناسی، یک امر ضروری و عموما از سوی طراحان قابل درک و اجرا است. با این وجود امکان توسعه سیستم های تناسب بندی کاملا ساده وجود دارد. در این صورت دو هدف دنبال خواهد شد که عبارتند از ایجاد زیبایی خوشایند از طریق تناسب هماهنگ و ایجاد حس نظم ما بین عناصر و المان ها در یک ساختار بصری.

شکل ۲: برج و کلیسای پیزا- ایتالیا

قوانین تناسبی ساده و توجه ناخودآگاه چشم به هماهنگی و سازگاری (همان، ۱۴۲،۱۳۸۹)

مقیاس

عموما افرادترجیح می دهند به جای تجربه ی لمسی فضا، برتجربه ی بصری از فضا، تکیه کنندو ادراکشان به طور وسیعی براساس آشنایی یا ارتباطات نیمه آگاهانه ی گذشته استوار است. همانندمعماری، همچنین درفضای باز شهری، سوالات مربوط به مقیاس به طورعمده بر دواصل تاکید دارندکه عبارتند از

- ندازه فضا
- نسبت به بدن انسان و اندازه عناصر والمان های ساختمان، یا انحصار توده ای یا قرار گیری در آن فضا.

مشکل مقیاس نه تنها با توجه به برنامه ریزی و طراحی ساختمان، بلکه با توجه به قرار گرفتن ساختمان ها و سازه های دیگر در کنار هم پیش می آید که مقیاس هایشان می توانند بی شباهت باشند، به طوری که تاثیرات بصری نا موزون و قابل اعتراضی را ایجاد کنند. راه حل، ضرورتا تجویز یک سری استاندارد های ثابت برای نماها و روکار ساختمان نیست، بلکه نیاز است که رابطه ی رضایت بخش ما بین آن ها ایجاد شود، مخصوصا مقیاسی که مابین آن ها مشترک باشد(توماس، ۱۴۴،۱۳۸۹).

www.SID.ir

Archive of SID

شکل و رنگ

معنی به شکل فضایی و کیفیت وابسته است ولی در عین حال، فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و مقصد کنونی مشاهده گر نیز بستگی دارد. به همین دلیل معنی یک مکان خاص برای مشاهده گران مختلف متفاوت خواهد بود. درست همان طور که توانایی یک شخص خاص در درک شکل در مکان های مختلف فرق می کند. با وجود این، در تجربه یک مکان توسط افراد مختلف بخش های مهم و اساسی ثابت وجود دارد (لینچ، ١٣٦٦،١٦٦).

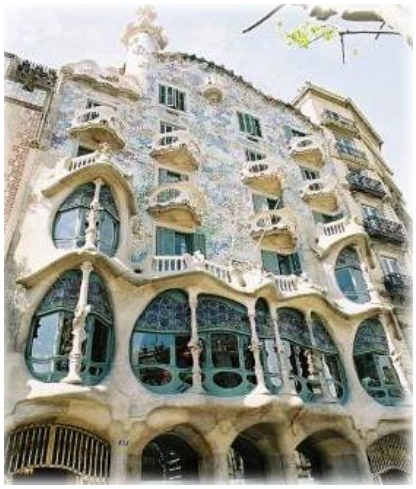

رنگ ها به طور بالقوه در یک محیط ساخته شده تاثیر حس انگیزی بر روی افراد دارند. با توجه به استفاده از رنگ در محیط شهری، هدف در هر زمان باید افزایش یا زنده کردن حس زیبایی در یک ساختمان یا مکان باشد. درشهرهای کوچک توسکانی در ایتالیا، ساکنان و مغازه داران همگی در ایجاد محیطی رنگارنگ و دلپذیر برای رهگذران پیاده نقش دارند. برای مثال، استفاده از گلدان های گل یا کاشت گیاهان چسبان در محل ورودی مغازه ها (تیبالدز ،٧٣،١٣٨٣). در مورد تاثیررنگ در معماری، شوماخاردر ١٩٨١به این اصل تاکید می کند که اگر قرار باشد تاثیرات رنگ موفق باشند، فرم های معماری باید ساده شوند، ودر نتیجه رنگ باید جائی به کار برده شود که فرصت ایجاد تاثیرات از طریق وضوح وتغییر شکل امکان پذیر نباشد...

جان راسکین ابتدا این فرضیه را مطرح کرد که شکل و رنگ دشمن هم هستند و بنابراین باید در مسیرهای کاملا متفاوتی قرار داده شوند. بالاترین شدت رنگ، به نظر او، نباید با بالاترین شدت پیچیدگی شکل در کنار هم قرار گیرند. البته از نظر تمایلات فرهنگی درحال تغییر و معیارهای مقبولیت، این نظریه ها تنها در حد توصیه ودستور العمل می باشند ونه نظریه های مطلق وقاطع(توماس، ١٤٧،١٣٨٩).

تئوری های رنگ که چندین نوع از آن ها وجود دارد، به درک طیف های رنگ وکار برد موثر و موفق آن برای ایجاد واکنش های متفاوت در بیننده کمک می کند. داشتن جسارت برای ورود به حوزه رنگ یا دیدگاه افزایش و تقویت ارزش محیطی، متضمن داشتن عملی وکارآمد طبیعت رنگ واصطلاحات فنی آن می باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

شکل ۳:کازاباتلو- اسپانیا
سطح نرم و قابل ارتجاع به نظر می رسد و با رنگ های متعدد می درخشد
(همان، ۱۵۰،۱۳۸۹).

بافت

ساختمان های جدید باید خلاقانه و با کیفیتی بالا ساخته شوند و در عین توجه و احترام به زمینه تاریخی شان، متعلق به عصر خود باشند. این ساختمان ها و فرم ها باید زیبا و جذاب باشد نه مانند طرح های ساده و یکنواخت دهه ۱۹۵۰و۱۹۶۰ و یا تقلید های سطحی کلاسیک -که ارزش تاریخ را نیز فرو کاسته اند- نمود یابند. بهترین معماری ها در تمام عصر ها می توانند علی رغم تضاد در سبک، مقیاس، کاربری و بافت با یکدیگر هم زیستی داشته باشند(تیبالدز،۳۸،۱۳۸۳). در طراحی شهری، وجود هماهنگی در بافت یک ساختمان یا گروهی از ساختمان یا گروهی ازساختمان های به هم پیوسته، امری ضروری می باشد. عجیب این که یک نمای مجزای المان های ساختمانی که از نظر بصری، غنی می باشد به طور قابل تصوری می تواند در کنار یک ساختمان ساده قرار گیرد. از طرف دیگر، دونمای غیر متجانس از نظر مقیاس، تناسب و رنگ المان های عناصر نما می توانند نامورون و نا هماهنگ باشند. ریکی در سال ۱۹۷۲ اظهار می دارد که بافت، رنگ را تغییر داده و اصلاح می کند. اگر دو سطح، سایه رنگ و شدت یکسان اما بافت های متفاوتی داشته باشند، مشابه به نظر نخواهند آمد. بافت می تواند به عنوان تاثیری در نظر گرفته شود که از مشاهده چیزی و یا لمس آن ایجاد شود.

استفاده ی تزیینی از رنگ و بافت با هدف معینی در ذهن انجام می گیرد، چه از نظر زیبایی چه عملکردی. در چنین مواردی، رنگ ها و بافت ها برای بیان افکار، متمایز کردن و جان بخشیدن به سطوح و اشیا به کار می روند و در نتیجه خصوصیات زیبایی شناسی معماری را تقویت می کنند(همان، ۱۵۰،۱۳۸۹).

نتیجه گیری

با توجه به موارد ذکر شده، می توان نتیجه گرفت که پلان و برنامه زیباسازی به عنوان ابزار برنامه ریزی شهری باید از انعطاف برخوردار باشد و به راه حل های زیبا سازی به شکل کاملا کلیشه ای ودسته بندی شده نباید نگریست. در شکل گیری شهر که مدام درحال تغییر وتحول است ارزیابی دایم ومستمر ضروری به نظر می رسد. روش های طراحی وبرنامه ریزی باید بیشتر قابل انطباق باشد تا ایدئولوژیک صرف. این امر هم به نحوه توسعه وهم به نحوه تحقق یافتن نقشه های زیباسازی و منظرسازی مربوط است و برای ایجاد

www.SID.ir

Archive of SID

همبستگی هرچه بیشتر بین راه حل های طراحی شده و نیازهای واقعی جامعه، برنامه توسعه باید با همکاری معماران و طراحان پایه ریزی شود.

منابع

تیس–اونسن.ت. ۱۳۸۷ گونه شناسی فضا در شهرسازی.مهشید شکوهی،.دانشگاه هنر. تهران. اول.

گروتر. ی. ۱۳۸٦ . زیبایی شناسی در معماری. جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.

توماس.د. ۱۳۸۹. معماری و محیط شهری. فرشته پاشایی و مسترا هنرجو. خاک. اول.

فن مایس. پ. ۱۳۹۰ عناصر معماری از صورت تا مکان فرزین فر. تهران. دوم.

تیبالدز. ف. ۱۳۸۳. محمد احمدی نژاد. شهرسازی شهروندگار . خاک، اول.

بحرینی. ح. ۱۳۸۲. فرآیند طراحی شهری. دانشگاه تهران، دوم.

لینچ . ک. .۱۳۷٦ .تئوری شکل خوب شهر دکتر سید حسین بحرینی. دانشگاه تهران. اول.

تیبالدز . ف. ۱۳۸۳. شهرسازی شهروندگرا . محمد احمدی نژاد. چاپ اول

www.SID.ir